فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا
شماره سی و ششم - پاییز ۱۳۹۷ / صص ۱۰۰-۷۵

سیاست‌گذاری رسانه‌ای آمریکا علیه روسیه؛ هالیوود، جنگ سرد نوین و احیای روسیه هراسی

بشیر اسماعیلی[۱]، سید حسن ملائکه[۲]

تاریخ دریافت: ۲۰. ۱. ۱۳۹۷
تاریخ پذیرش:۰۶,۰۸. ۱۳۹۷

چکیده

در طول دوران جنگ سرد، علاوه بر رقابت تسلیحاتی و ایدئولوژیک میان آمریکا و شوروی که توام با موازنه قوای مبتنی بر بلوک‌بندی‌های آن دوره بود، ایالات متحده توانست با بهره‌مندی از برتری در تولیدات فرهنگی به ویژه در قالب سینمای هالیوود، قدرت نرم خود را از طریق جنگ رسانه‌ای و بازنمایی فرهنگی پیش ببرد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رفته‌رفته تمرکز جنگ رسانه‌ای آمریکا از کمونیسم به اسلام و خاورمیانه تغییر جهت داد. این روند پس از وقوع حوادث یازده سپتامبر تشدید گردید و موجی از محصولات فرهنگی با محتوای اسلام‌هراسی تولید شدند. اما همزمان با بسط دوباره نفوذ روسیه در بعضی از نقاط جهان و شکل‌گیری موازنه‌های جدید قدرت که پاره ای از صاحب نظران از آن تعبیر به جنگ سرد نوین می کنند ، به نظر می‌رسد جنگ رسانه‌ای آمریکا علیه این کشور مجدداً در حال فعال شدن است. پرسش اصلی این مقاله آن است که آیا تحولات در روابط خارجی آمریکا با روسیه بر سیاست‌گذاری رسانه‌ای ایالات‌متحده علیه روسیه تاثیرگذار بوده است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در واکنش به توفیقات روسیه در نقاط استراتژیک جهان؛ اهداف سیاست‌گذاری رسانه‌ای آمریکا پس از یک دوره تمرکز بر اسلام‌هراسی و بازنمایی علیه مسلمانان، در حال چرخش به سوی روسیه‌هراسی است. روش تحقیق در این مقاله بر پایه روش تفسیری و مقایسه‌ای می‌باشد .

واژه‌های کلیدی: سیاست‌گذاری رسانه‌ای، هالیوود، ایالات متحده آمریکا، روسیه، جنگ سرد نوین

---

۱. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران
۲. (نویسنده مسؤول)، استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران
hmalaekeh@gmail.com

www.SID.ir

مقدمه

پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، پروژه بازنمایی و جنگ رسانه‌ای آمریکا معطوف به شوروی و اقمار آن بود. به بیان دیگر پیش از مطرح شدن مفاهیمی همچون بنیادگرایی اسلامی و تروریسم، لیبرال دموکراسی در تقابل ایدئولوژیک با کمونیسم قرار داشت. این دوره نسبتاً طولانی، پیشینه‌ای از عملکرد رسانه‌ای آمریکا در قبال بسط هژمونی از طریق بازنمایی و محدود کردن جذبه ایدئولوژیک رقیب را ارایه می‌نماید.

در سال‌های اخیر مقدمات احیای قدرت روسیه به مانند دوران پیش از فروپاشی در توفیقات استراتژیک این کشور در مناقشات اوکراین و سوریه ظهور و بروز یافت. نخستین و مهم‌ترین هدفی که در پس ورود یکباره روسیه به جنگ سوریه وجود داشت، احیای روسیه در صحنه جهانی بود. پس از حمله روسیه به اوکراین و الحاق کریمه در سال ۲۰۱٤، کشورهای غربی با منزوی کردن روسیه این کشور را از گردهمایی‌هایی بین‌المللی کنار گذاشتند.

تبدیل شدن به بازیگری کلیدی در جنگ سوریه، استراتژی هوشمندانه و در عین حال پرخطری برای خروج از این انزوا بود که توانست به بار بنشیند. دومین هدف ناگفته پوتین از ورود به جنگ سوریه نمایش قدرت نظامی احیاء شده روسیه بود.روسیه که در زمان جنگ سرد بزرگترین رقیب و معارض آمریکا محسوب می شد، اینک بعد از یک دوره افول مجددا قصد دارد یکجانبه گرایی آمریکا در جهان را به چالش بکشد ؛ ولادیمیر پوتین در این زمینه، در مارس ۲۰۱٤ و در خلال حوادث کریمه اوکراین می‌گوید: "آمریکا مایل است نقش یک اَبَرقدرت بلامنازع را بدون التزام به حقوق بین‌الملل ایفا کند. آمریکایی‌ها معتقدند که در دنیا استثنایی هستند برای تعیین سرنوشت جهان برگزیده شده‌اند، به همین دلیل آنها به دلخواه خود و علیه کشورهای دیگر جهان اعمال زور می‌کنند؛ چرا که به این اصل معتقدند که « هر که با ما نیست، علیه ماست »" (The Guardinan website, ۲۰۱٤).

www.SID.ir

به این ترتیب قدرت‌گیری روسیه در معادلات نوین بین‌المللی امر مشهودی است (DIA, ۲۰۱۷: ٤) و این پدیده جدید آمریکا را بر آن داشته است تا جنگ رسانه‌ای را به موازات سایر ابزارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی برای مهار این رقیب استراتژیک فعال سازد. در این مقاله با تاکید بر روند نوین روسیه هراسی و بازنمایی قدرت رو به تزاید این کشور به عنوان خطر قریب الوقوع برای منافع ملی آمریکا در جهان، نقش هالیوود در جایگاه مهم‌ترین دستگاه تولید روندهای فرهنگی برای افکار عمومی غرب و جهان مطالعه می‌گردد. این مطالعه، مقایسه آثار فرهنگی تولید شده در راستای بازنمایی رسانه‌ای علیه روس‌ها در زمان جنگ سرد و دوران معاصر را در بر دارد.

۱- رسانه و روابط بین‌الملل

اگر نگاه عمیقی به زندگی روزمره خود داشته باشیم خواهیم دید که اغلب دانش و شناخت ما از جهان پیرامون به‌وسیله و با واسطه رسانه‌ها شکل می‌گیرد. به بیان ساده‌تر رسانه‌های جمعی نه تنها وسیله دسترسی ما به اطلاعات، بلکه واسطه و میانجی کیفیت و ماهیت دانش و شناخت نزد ما نیز هستند (Craig, ۲۰۰٤:۳). بررسی این امر (واسطه‌گری شناخت) از موضوعات مهم و محوری در مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای است و بر این اساس در مباحث نظری این حوزه‌ها عقیده بر آن است که کارکرد اساسی رسانه‌ها بازنمایی واقعیت‌های جهان خارج برای مخاطبان است. منظور از واژه «بازنمایی رسانه‌ای»[۱] عبارت است از: «ساختی که رسانه‌های جمعی از جنبه‌های مختلف واقعیت مثل افراد، مکان‌ها، اشیاء، اشخاص، هویت‌های فرهنگی و دیگر مفاهیم مجرد ایجاد می‌کنند. تجلی بازنمایی‌ها ممکن است به صورت گفتاری، نوشتاری یا تصاویر متحرک باشد.» (Dayer, ۲۰۰۵: ۱۸).

۱-Media Representation

www.SID.ir

بازنمایی دارای پیشینه‌ای فکری در جریان منتقد مدرنیسم و همچنین در میان اندیشمندان مخالف جریان اصلی نظریه‌های روابط‌بین‌الملل می‌باشد. پرداختن به این مباحث هدف این مقاله نیست از این رو تنها اهم این دیدگاه‌ها مطرح می‌شود (برای مطالعه بیشتر رک: توسلی و اسماعیلی، ۱۳۹۲). «مک لوهان»[۱] و «هایدگر»[۲] اشاراتی را دال بر پیش‌بینی دگرگونی فرهنگ با محوریت رسانه‌های تصویری ارائه داده‌اند. (هایم، ۱۳۹۰: ۱۳۳). «آدورنو»[۳] و «هورکهایمر»[٤] نیز به نقش رسانه‌ها به ویژه سینما در بازنمایی و شکل‌گیری افکار عمومی جهانی تاکید می‌کنند و معتقدند در وهله اول فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌ها جوامع را یکدست ساخته و سپس حقیقت مجازی را برای آنان بازنمایی می‌کند. این جامعه یکدست شده قابلیت هدایت از طریق محصولات فرهنگی را دارند. کل جهان از غربال صنعت فرهنگ‌سازی عبور داده می‌شود. تماشاگران فیلم، جهان خارج را ادامه فیلمی می‌پندارند که به تماشا نشسته‌اند، زیرا فیلم کاملاً معطوف به بازتولید جهان ادراکات روزمره است. هر قدر تکنیک‌های تولید فیلم با شدت بیشتر و نقص کمتری اشیاء و امور تجربی را دوباره‌سازی کنند، غلبه این توهم نیز آسان‌تر می‌شود که جهان خارج ادامه صاف و ساده آن جهانی است که بر پرده، نمایش داده می‌شود. (آدرونو و هورکهایمر، ۱۳۸٤: ۲۰۹-۲۱۹).

در فهم نظریه «صنعت فرهنگ»[۵] آدورنو توجه به این نکته لازم است که عامل یکدست‌سازی بیش از آنکه در ابزار باشد، در نظامی است که باید کارکرد ابزار را با قواعد مبادله میزان کند. آدورنو در واقع صنعت فرهنگ را در سرمایه‌داری لیبرال به عنوان آخرین

۱-Herbert Marshall McLuhan (۱۹۱۱-۱۹۸۰)
۲-Martin Heidegger (۱۸۸۹-۱۹٦۷)
۳-Theodor W. Adorno (۱۹۰۳-۱۹٦۹)
٤-Max Horkheimer(۱۸۹٥-۱۹۷۳)
٥- Culture Industry

www.SID.ir

حد احاطه‌طلبی و تمامیت‌خواهی خرد ابزاراندیش روشنگری می‌داند (جمادی، ۱۳۸۸: ١٤). چنین تفسیری را می‌توان به سیاست خارجی نیز تعمیم داد.

عامه مردم اکثر اطلاعات خود درباره سیاست خارجی و روابط بین‌الملل را از طریق رسانه‌ها دریافت می‌کنند و خیلی بندرت تجربیات دست اول درباره رسانه دارند. بنابراین مهم‌ترین حلقه برای مطالعه این موضوع عبارتست از سیاست- رسانه- افکارعمومی- سیاست. رسانه شاید سازوکارهای مستقیم برای تسخیر ذهن و قلب مردم نداشته باشد، اما تاثیر خود را بر شیوه‌ای که مردم درباره روابط بین‌الملل فکر می‌کنند، دارند (حاجی مینه،۱۳۹۳: ١٣٦) و این نقطه پیوند جنگ رسانه‌ای و سیاستگذاری رسانه‌ای است که در بخش بعدی به آن پرداخته می‌شود.

«مارشال مک لوهان» چند دهه قبل پیش‌بینی کرده بود "جنگ‌هایی که در آینده رخ خواهند داد به وسیله تسلیحات جنگی و در میدان‌های نبرد نخواهند بود، بلکه این جنگ‌ها به دلیل تصوراتی رخ خواهند داد که رسانه‌های جمعی به مردم القاء می‌کنند." (Kamalipour, ۵۳ :۲۰۰۰). علت اصلی این کامیابی (تاثیر رسانه بر افکار عمومی) قدرت زیادی است که رسانه در اختیار بازیگران صحنه سیاست و صاحبان خود (به‌ویژه دولت‌ها) قرار می‌دهند. در این راستا صاحبان رسانه‌های جمعی جهان با اتکاء به قدرت رسانه به ارائه چهره‌ای مخدوش از برخی حکومت‌ها، فرهنگ‌ها، اقوام و یا ادیان می‌پردازند و به شکلی نظامند در جهت شکل‌دهی به افکار عمومی جهانی و شکل‌گیری عقاید، گرایش‌ها و رفتارهای مورد نظر خود تلاش می‌کنند (سلطانی‌فر، ۱۳۹۱: ٦٥).

جنگ‌های نوین که به جنگ‌های پست‌مدرن مشهورند به طورکلی دارای سه مرحله اساسی اقدام رسانه‌ای، جنگ روانی و جنگ نظامی هستند و ترکیب ابزارهای جنگی آنها متشکل از رسانه‌ها با ابعاد انتشار جهانی و ادوات نظامی پیشرفته است (افتخاری، ۱۳۸۲: ٣٨٦). اما

www.SID.ir

همانطور که گفته شد رسانه‌ها علاوه بر این، محور نوعی از منازعه هستند که از آن با عنوان «جنگ رسانه‌ای»[۱] یاد می‌شود.

۲- هالیوود و سیاست خارجی آمریکا علیه شوروی

پایان جنگ جهانی دوم با آغاز دوران رقابت آمریکا و شوروی مقارن گردید و موجی از جنگ تبلیغاتی را نیز با توسل به ابزار رسانه پدید آورد. جنگ سرد به عنوان اصطلاحی که در سال ۱۹٤۷ توسط «برنارد باروک»[۲] متخصص مالی و سیاستمدار آمریکایی ابداع گردید و «والتر لیپمن»[۳] روزنامه‌نگار آمریکایی آن را رواج داد، مبین مجموعه‌ای از رقابت‌های نظامی، سیاسی، فضایی و هسته‌ای دو ابرقدرت آمریکا و شوروی بود (اسماعیلی، ۱۳۹۵). در این میان رقابت فرهنگی – رسانه‌ای دو بلوک شرق و غرب را نیز می‌بایست در کنار رقابت‌های مذکور به طور ویژه مورد توجه قرار داد. مبارزه با ایده کمونیسم در هالیوود نه تنها جنبه ایجابی قدرتمندی پیدا کرد، بلکه ابعاد سلبی آن نیز خیلی زود نمایان گردید؛ پس از سال ۱۹٤۵ در آمریکا قانون «تافت – هارتلی»[٤] اتحادیه‌ها را مجبور ساخت تا قسم یاد کنند که هیچ‌گونه عضویت و وابستگی به کمونیست‌ها ندارند. قانون «نیکسون- موند»[٥] در ۱۹ می ۱۹٤۸ کمونیست‌ها را وادار کرد تا در مقابل مقامات فدرال به وابستگی خود اعتراف کنند و در همین سال کمیسیونی به سرپرستی سناتور «جوزف مک کارتی» مسئولیت ارزیابی گسترش کمونیست را به ویژه در هالیوود بر عهده گرفت. به این ترتیب هر شخصی که در آن شهرک سینمایی کمونیست و یا از طرفداران آن به شمار می‌رفت، مظنون

۱-Media War
۲ Bernard Baruch(۱۸۷۰-۱۹٦۵)
۳ Walter Lippmann (۱۸۸۹-۱۹۷٤)
٤- Taft-Hartley Act
٥ -Mundt–Nixon Bill

www.SID.ir

شناخته می‌شد و لیست سیاهی از تهیه‌کنندگان، فیلمنامه‌نویسان، ستاره‌ها و کمدین‌های مشکوک به انجام فعالیت‌های ضدآمریکایی تنظیم شد. بعضی از آنها به زندان افتادند و تعدادی دیگر مانند چارلی چاپلین، جول دسن و یا جوزف لوزی تبعید شدند. در این دوره استودیوهای بزرگ فیلم‌سازی که معمولاً توسط تبعیدیان اروپایی اداره می‌شدند، برای اجتناب از اتهام و اثبات دوستی خود به ایالات متحده، به سرعت مبادرت به تولید فیلم‌های ضدکمونیستی کردند. از میان مهم‌ترین فیلم‌های این دوره می‌توان به «پرده آهنین»[۱] ۱۹٤٦ اثر «ویلیام ولمن» و فیلم «مایکل اندرسون»[۲] به سال ۱۹۵٦ – برگرفته از رمان معروف «جورج اورول»– و همچنین فیلم «قدم در راه نادرست»۳ اثر «گوردون داگلاس» اشاره کرد– این فیلم نخستین اثر ساخته شده با موضوع وجود کارخانه‌ای هسته‌ای است که جاسوسان خارجی درصدد یافتن نقشه آن هستند. سینما در دوره مذکور بیشتر از دیگر وسایل ارتباط جمعی توانست وحشت، ترس جمعی و بی‌اعتمادی موجود را منعکس کند. خطر «تهدید سرخ» جامعه آمریکایی را فراگرفته بود و بعضی از فیلم‌ها با این ایدئولوژی که دشمن از خارج می‌آید، از هم‌گسیختگی خانواده‌هایی را نمایش می‌داند که یکی از اعضای آن توسط کمونیست‌ها «فاسد» شده بودند (تاراجی، ۱۳۸٤: ۱۸).

در سال ۱۹۵۳ «ساموئل فولر» «جیب بر خیابان جنوب»[٤] را با مضامین مبتنی بر روس‌هراسی ساخت؛ فیلمی‌که منتقدین آن را یک اثر زننده ضدکمونیستی توصیف کردند. در سال ۱۹٦۱ «بیلی وایدر» فیلم «یک، دو، سه»[۵] را با حال و هوای فیلم‌های جنگ سرد تولید کرد، «یک دقیقه به صفر»[٦] «تای گارنت» (۱۹۵۲) و «حکومت نظامی»[۱] اثر «گوستاو گاوراس» هم

---

۱ -The Iron Curtain
۲ - Micheal Anderson
۳ - Walk a Crooked Mile
٤ -Pickup on South Street
۵-One, Two, Three
٦-One Minute to Zero

www.SID.ir

نمونه‌های دیگری از رویکرد بازنمایی هیولای کمونیسم در هالیوود محسوب می‌گردند (کاوش،۱۳۸۸: ۱۱٦).

ساخت فیلم‌های ضدِکمونیستی در سال‌های اولیه الزاماً به این معنا نبود که تمامی کمپانی‌های فیلم‌سازی هالیوود مستقیماً کارگزار دستگاه سیاست خارجی آمریکا هستند. هرچند در سال‌های پس از جنگ اسنادی منتشر شد که دخالت آشکار سیا را در ساخت فیلم‌های ضدِکمونیستی برملا می‌کرد. به عنوان نمونه کتاب «جنگ سرد فرهنگی: سیا و جهان هنر و ادب»[۲] که به سال ۱۹۹۹ توسط «فرانسس استونر سندرس» و در لندن منتشر شد، مجموعه اعمال نفوذهای سیا در دستگاه تولید فرهنگ آمریکا را برای آمریکا مقابل کمونیسم، از مجرای غیرنظامی شرح داده است. درباره سینما به طور مثال فیلم‌های ضدِکمونیستی «مزرعه حیوانات» و «۱۹۸٤»، (هردو برگرفته از رمان‌های جورج اورول) با بودجه سازمان سیا ساخته شدند (شهبازی، ۱۳۸۲: ۳۳). با این وجود همواره هالیوود به موازات جریان فیلم‌سازی برآمده از سیاست‌های کلان فرهنگی کشور، جریان منتقد و مستقلی نیز داشته است که این مهم، خود بر تأثیرگذاری سینمای آمریکا در میان افکار عمومی‌جهان افزوده است؛ چرا که باعث شده تا هالیوود از یک دستگاه پروپاگاندا صرف، به یک سازوکار هنری تحسین‌برانگیز ارتقاء یابد. عده‌ای وجود یک جریان متعالی و انتقادی در سینمای آمریکا را به عنوان تمهیدی متعادل‌کننده در مقابل جریان هژمونی فرهنگی هالیوود تلقی می‌کنند. به عنوان نمونه در واکنش به جنگ ویتنام، فیلم‌سازان مستقلی چون «الیور استون»، «فرانسیس فورد کاپولا» و «استنلی کوبریک» به ساخت فیلم‌هایی که عمیقاً منتقد جنگ ویتنام بودند پرداختند که توجه جامعه هنری وقت را به خود جلب کرد. اما در مجموع، با بررسی روند غالب تولیدات سینمایی در دوران جنگ سرد و در نشانه‌شناسی

۱- État de siège

۲-The Cultural Cold War: The CIA and the World of Arts and Letters

www.SID.ir

فیلم‌ها و قهرمانان آن زمان هالیوود به طور معمول سیاست ضدکمونیستی آمریکا در قالب بسیاری از آثار به طور مستقیم و غیرمستقیم انعکاس داشته است.

در این دوران همچنین، ستاره‌هایی مانند «جیمز باند»، «راکی» و «رمبو» نیز در راستای اهداف سیاست خارجی آن زمان به وجود آمدند. به عنوان نمونه فیلم «راکی٤»[۱] که یکی از فیلم‌های پرفروش کریسمس ۱۹۸۵ بود، نمایش تمثیلی جنگ سرد شوروی و آمریکا در رینگ بوکس است. در این فیلم «سیلوستر استالونه» که با ایفای نقش در سه فیلم قبلی راکی، هویت خود را به عنوان نماینده یک شهروند آمریکایی که می‌توان با پشتکار و تلاش از صفر به ثروت برسد، تثبیت کرده است، با حریف روسی خویش به نبرد پرداخته و او را مغلوب می‌کند. در پایان فیلم «راکی٤»[۲] نیز پس از اینکه استالونه به شوروی می‌رود و دل تماشاگران روس اطراف رینگ بوکس را به دست می‌آورد و قهرمان بوکس شوروی را شکست می‌دهد، طی نطقی خطاب به مردم شوروی چنین می‌گوید: «وقتی من اینجا آمدم شما من را دوست نداشتید و من نیز علاقه چندانی به شما نداشتم، بعد دیدم که احساسات کم‌کم تغییر کردند شاید همه ما بتوانیم تغییر کنیم». جمعیت می‌غرد و رهبر شوروی برای تشویق او به پا می‌خیزد (پالی، ١٣٦٦: ٣٣).

استالونه همچنین در فیلم «رمبو»[۳]- جنجالی‌ترین فیلم سال ۱۹۸۲ و بزرگترین تبلیغ برای آمریکا در سراسر جهان- نقش یک سرباز بازنشسته، عضلانی و غیرقابلِ‌انعطاف جنگ ویتنام را ایفا می‌کند. او مجدداً به ویتنام فرستاده می‌شود تا حضور آمریکایی‌های گمشده را به اثبات برساند. «رمبو» یک تنه زندانیان آمریکایی در ویتنام را از دست شکنجه‌گران دیوصفت کمونیست ویتنامی و رئیس روس اردوگاه زندانیان جنگی نجات می‌دهد. «رمبو»

---

۱ - Rocky II
۲- Rocky IV
۳- Rambo

www.SID.ir

همان‌طور که در فیلم «اولین خون»[۱] هم نشان داده بود، یک تنه حریف یک لشکر است و شاید کافی بود تا در ذهن تماشاگران آمریکایی این تصور پیش بیاید که با داشتن چنین سربازانی دیگر چه نیازی به بمب اتم وجود دارد! با فیلم «رمبو» بار دیگر قوای آمریکا تبدیل به عاملان احسان و نیکو کاری می‌شوند، همان‌گونه که در جنگ جهانی دوم چنین نقشی بر عهده داشتند (پالی، ۱۳٦٦: ۳٦-۳۵). «رمبو ۳» در سال ۱۹۸۸ و در دوران افول این مجموعه اکران می‌گردد. وی به افغانستان می‌رود تا مجاهدین افغان را در جنگ با متجاوزین شوروی یاری دهد.

در مجموع ردپای هالیوود در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به وضوح قابل مشاهده است. هالیوود جنگ را بدون شلیک هیچ گلوله‌ای به نفع آمریکا به پایان رساند. تصویر پررنگ ولعاب و زیبای زندگی غربی در فیلم‌های هالیوود از قناعت ریاضت‌وار مردم در نظام کمونیستی جذابتر بود و مردم شوروی را شیفته غرب می‌کرد. هم‌زمان حکومت شوروی تبلیغات اغراق‌آمیزی در فیلم‌ها برای تبلیغ زندگی به سبک کمونیستی انجام می‌داد. اهالی شوروی در این داستان‌های خیالی مردمی بودند که همگی با رضایت به‌طور دسته‌جمعی کار می‌کردند و کار می‌کردند. قهرمان این فیلم‌ها همه مردم و توده‌ها بودند، اما سبک فیلم‌های آمریکایی متفاوت بود. قهرمان فیلم‌های آمریکایی اَبرانسان‌هایی بودند که یک‌تنه به جنگ همه بدی‌های دنیا می‌رفتند. برای مردم شوروی تماشای این اَبرقهرمان‌ها از تماشای مردم سختکوش تحت نظام کمونیسم جذاب‌تر بود. در شرایطی که پس از مرگ استالین، شوروی روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شد، آمریکا به‌سرعت در حال تکمیل تصویر «رؤیای آمریکایی» بود. رؤیای سرزمین قهرمان‌ها؛ جایی که هرکسی می‌توانست در آن با سعی و تلاش به هرجایی برسد و اینگونه هالیوود کارخانه رؤیاسازی شد. در این شرایط شوروی که از درون پوسیده بود نیاز به حمله خارجی نداشت. گورباچف، آخرین رهبر

۱- First Blood

www.SID.ir

شوروی، زمانی که قدرت را در دست گرفت، مصمم بود رابطه با غرب را عادی کند. با آشتی شوروی و آمریکا، ابهت ابرقدرت شوروی درهم شکست، زیرا تمام ماهیت شوروی کمونیست دشمنی با غرب بود و در نهایت یلتسین پس از گورباچف آمد تا فروپاشی شوروی رو به احتضار را نهایی کند. نهایتاً نیز با متلاشی شدن کمونیسم در شوروی و فروپاشی بلوک شرق، هالیوود در فیلم «راکی۵»[۱] سقوط کمونیسم را جشن می‌گیرد. در سکانسی که راکی، مشت‌زن روسی را شکست می‌دهد، گویی نه‌تنها حریف خود که همه روس‌ها و عقاید آنها را نابود می‌کند. سقوط حزب کمونیست در شوروی و بلوک شرق نقطه عطفی در تاریخ سینمای هالیوود بود (فیروزی، ۱۳۹٦).

۳.تغییر سیاست رسانه‌ای آمریکا از کمونیسم به اسلام‌هراسی

با وقوع یازده سپتامبر به مدت یک دهه توجه رسانه‌ای آمریکا ابتدا به القاعده و سپس اسلام و فعالیت‌های مسلمانان معطوف شد. چنانکه خبرهای مربوط به مسلمانان در فاصله زمانی چند سال بعد از سال ۲۰۰۱ به شکل محسوسی با مقوله «جنگ علیه ترور» پیوند داشته‌اند (Poole & Richardson, ۲۰۰٦: ۱) اولین مرحله از این بازنمایی با چاپ کاریکاتورهای موهن درباره پیامبر اکرم(ص) اجرایی گردید که یادآور چاپ کاریکاتورهایی بود که نازی‌ها علیه کسانی که دشمن خود قلمداد می‌کردند، انتشار دادند. در آن ایام با وجود اعتراض گسترده مسلمین سراسر جهان، حداقل ۱٤۳روزنامه در ٥٤ کشور، همه یا تعدادی از کاریکاتورهای ضدِاسلامی را منتشر کرده بودند (Stromback & et.al., ۲۰۰۸). این حرکت، سرآغازی برای تسری بازنمایی علیه مسلمانان در بسیاری از حوزه‌های رسانه‌ای به ویژه سینمای هالیوود بود.

۱- Rocky V

www.SID.ir

دلجویی از دشمنان کمونیست سابق

نکته قابل توجهی درباره سیاست‌گذاری رسانه‌ای آمریکا از طریق هالیوود در دوران جنگ سرد وجود دارد و آن این‌که سینمای آمریکا پس از فروپاشی شوروی به یکباره روند بازنمایی پیشین خود را کنار نهاد و در مواردی حتی حسی نوستالژیک در رابطه با دشمن از پادرآمده خود به نمایش گذاشت. به عنوان مثال «کِوین کاستنر» با فیلم «سیزده روز»[۱] دست به کالبدشکافی بحران موشکی کوبا به عنوان یکی از مهم‌ترین وقایع جنگ سرد زد و «جان فرانکن هایمر» هم در مجموعه تلویزیونی «راهی به جنگ»[۲] به ترسیم رویدادهای آن زمان از زاویه‌ای متفاوت دست زد. «کاترین بیگلو» گام را حتی فراتر نهاد و در فیلم «کی ۱۹: تله انفجاری»[۳] محصول سال ۲۰۰۲ از مقام دریانوردان شجاع و متهور شوروی ستایش کرد! تولید چنین فیلم‌هایی توسط هالیوود در دوران جنگ سرد و پیش از فروپاشی شوروری، تقریباً محال به نظر می‌رسید، چرا که در مورد فیلم بیگلو به عنوان نمونه، جامعه آمریکا نه تنها در آن موقع علاقه‌ای به مشاهده تصویری دقیق و عمیق از زندگی در زیردریایی‌های شوروی سابق نداشته، بلکه هرگز برای آنها قابل توجیه نبود که ستاره بزرگ سینما «هریسون فورد» نقش یک کمونیست دو آتشه را بازی کند (پاورز، ۱۳۸۱: ۱۰۲).

جالب آنکه در مورد چین هم پس از کاهش تنش‌ها میان آمریکا و این کشور و همچنین نابودی کمونیسم، هالیوود برخلاف گذشته که تصویری جنایت‌کار، خشن و با ضریبِ‌هوشی پایین از چینی‌ها به نمایش می‌گذاشت، به دلجویی هدفداری از آنان پرداخت. فیلم‌های «پاندای کونگ‌فو کار۲»[۴] و «۲۰۱۲» مثال‌های عالی سیاست موفقیت‌آمیز هالیوود در ارتباط با چین هستند که تصویر مثبتی از این کشور ارائه می‌دهند. «پاندای

---

۱ -Thirteen Days
۲- Path to War
۳- K-۱۹: The Widowmaker
٤- Kung Fu Panda ۲

www.SID.ir

کونگ‌فو کار ۱»: (۲۰۰۸) موفقیت قابل قبولی در چین به دست آورد. چنانکه پیش از شروع به ساخت «پاندای کونگ‌فو کار ۲» کمپانی «دریم ورکرز»[۱] پیشنهاد مقامات استان سیچوان برای اعزام گروهی به این استان را پذیرفت، این گروه قرار بود از زیستگاه واقعی پانداها بازدید کند. روزنامه «وال استریت تایمز» در این مورد می‌نویسد: "درحال حاضر بیشتر شهرهای چینی تحت‌تأثیر جاذبه مضمون فیلم‌های هالیوود قرار گرفته‌اند و به دنبال چنین پیوندهایی هستند، چرا که پیوندها ابزار نهایی دستیابی به قدرت نرم هستند. فیلم «۲۰۱۲» نیز به بررسی نقش مثبت «ارتش آزادی» چین می‌پردازد؛ گروهی که رسانه‌های غربی غالباً آن را به عنوان گروهی ملی‌گرا با هدف گسترش نفوذ چین به تصویر می‌کشند، نه یک دولت مردمی‌محافظه کار، و نکته اخیر به طور خاص در این فیلم مورد تاکید قرار گرفته است (Rosen, ۲۰۱۱). به همین دلیل این فیلم در دلجویی از جامعه چین اثرگذارتر و به چشم مخاطبان چینی جذاب‌تر بود. در این فیلم در مقابل فجایع طبیعی که آمریکای شمالی را تهدید می‌کند، تنها چین قادر به ساخت پناهگاه‌هایی برای نجات سیاره است.

این رویکرد غیرخصومت‌آمیز به دشمنان دوران جنگ سرد، مؤیّد آن است که هالیوود نیز همگام با سیاست خارجی آمریکا، دشمن جدیدی در قالب تروریسم و در میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا شناسایی نموده است. پس از سال ۲۰۰۱ به مدت تقریباً یک دهه سیاست خارجی آمریکا با همراهی نسبی ناتو در این راستا قرار داشته و بنابر تعبیر پاره‌ای صاحب‌نظران، مبارزه با تروریسم خلاء به‌وجود آمده برای فلسفه وجودی ناتو پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را مرتفع ساخته است. اما از سال ۲۰۱٤، تحولات اروپای شرقی و دخالت روسیه در تجزیه کشور اوکراین، همچنین افزایش نفوذ این کشور در اروپا با توسل به حربه فروش گاز، آمریکا و ناتو را در آستانه یک جنگ سرد نوین قرار

---

۱ -DreamWorks Studios

www.SID.ir

داده است (Russophobia bulletin, ۲۰۱٤). در ادامه به احیای خصومت آمریکا و روسیه و بازتاب آن در هالیوود پرداخنه می گردد .

٤. دیپلماسی نوین آمریکا در قبال روسیه

چنانچه ذکر شد، رویکردهای سیاسی هالیوود در دوران جنگ سرد همیشه یکی از موضوعات مورد توجه کارشناسان رسانه بوده است. به شکلی که بسیاری از صاحب‌نظران این حوزه تأکید دارند که اشاره به اِلمان‌های دیگرهراسی و نگاه توطئه‌آمیز به روابط جهانی با محوریت روسیه، همیشه یکی از مسائل مهم در صنعت سینمای آمریکا در آن زمان است؛ آن چنان که «روسیه‌هراسی»[۱] هم در قالب دیگرهراسی از محتواهای ویژه در سینمای هالیوود به حساب می‌آید .با بسط نفوذ و قدرت روسیه در جهان ، روند رها شده تولید فیلم های ضد روسیه در هالیوود ، به یک باره از نو جان گرفت .

قسمت جدید سری فیلم‌های «جان سخت»[۲] را می‌توان یکی از تازه‌ترین آثار ذیل مبحث روسیه‌هراسی نوین در هالیوود به حساب آورد. در این فیلم «بروس ویلیس» – بازیگر ثابت سری جان سخت– برای نجات فرزند خود به روسیه سفر می‌کندو سفر او با اتفاقات تازه‌ای روبه‌رو می‌شود ؛او به شکل غیرمنتظره‌ای وارد مبارزه با یک حمله هسته‌ای از سوی روسیه به جهان و به ویژه آمریکا می‌گردد. دراین فیلم صحبت از این مدعاست است که روسیه در حال ذخیره‌سازی اورانیوم‌های غنی‌شده به هدف یک ترتیب دادن یک حمله گسترده و نابودگر می‌باشد. ضمن اینکه دراین فیلم باز هم روسیه به عنوان مأمن تروریست‌های هسته‌ای به تصویر کشیده شده است .

۱- Anti-Russian sentiment or Russophobia
۲- Die Hard

www.SID.ir

فیلم جان سخت همچنین در راسای بازنمایی شخصیت ترسناک روس، روایت‌گر یک جاسوس روسی است که مأمور شده در آمریکا عملیات‌های ویژه‌ای همچون ترور رئیس‌جمهور و معاونش را انجام دهد. در فیلم این مأمور روسی بسیار حرفه‌ای به نمایش گذاشته می‌شود، به شکلی که مخاطب در بسیاری از بازه‌های زمانی فیلم، کاملاً تحت تأثیر قدرت و هوش او قرار می‌گیرد. در پایان هم روایت خاصی از تلاش نیروهای آمریکایی برای نجات کشورشان از تهدید و ترور عنوان می‌گردد. خطر تهدید همه جانبه آمریکا توسط روسیه در این فیلم در حالی مطرح می‌شود که صحبت از وجود خطرات جدی برای امنیت ملی آمریکا از سوی روسیه در فیلم‌های بسیار دیگری هم تکرار شده است.

در فیلم «سالت»[۱] محصول سال ۲۰۱۰، روسیه به عنوان کشوری معرفی می‌شود که هزینه‌های گزافی در راستای ایجاد بحران در آمریکا صرف می‌کند. به شکلی که فیلم در نهایت در تلاش است تا به مخاطب خود اینگونه القا کند که آمریکا هر چه در این راه هزینه‌های گزاف اختصاص دهد، باز هم نمی‌تواند امنیت خود را در مقابل دخالت‌های خرابکارانه دیگران از جمله روسیه تضمین کند. فیلم سالت که از ویژگی‌های خاص محتوایی و بصری برخوردار است به طور کلی علاقه ویژه‌ای به ارائه تصویری خشونت‌آمیز و آمیخته با ترور از کشور روسیه دارد. این در حالی است که اینگونه رویکردها در قبال روسیه در فیلم دیگری مانند «مضاعف»[۲] تولید سال ۲۰۱۱ هم به روشنی دیده می‌شود. این فیلم که به کارگردانی «مایکل برنت» ساخته شده داستان سلسله نفوذهای جاسوسی روسیه را در سازمان سیا روایت می‌کند. داستان فیلم از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است که تا انتها مخاطب را با خود همراه می‌کند. در این فیلم تعداد قابل توجهی از مأموران روسی به صورت زنجیره‌وار در سیستم امنیتی آمریکا نفوذ کرده و سعی می‌کنند که از این طریق

۱- Salt
۲- The Double

www.SID.ir

سیستم را فلج کنند. روس‌ها در این فیلم به کلیشه‌های خباثت دوران جنگ سرد برگشته‌اند، به‌طور مثال این مأموران نفوذی روسیه برای تضعیف سیستم امنیتی، اقدام به قتل پنهانی مامورین ویژه آمریکایی می‌کنند (وب‌سایت مشرق نیوز، ۱۳۹۲).

نکته قابل توجه اینجاست که گاهی اوقات در برخی از فیلم‌ها با محوریت دیگرهراسی در هالیوود، می‌توان نوعی از «نگاهی ائتلافی» را مشاهده کرد؛ به شکلی که در این نگاه روسیه در صدر ائتلاف‌های ضدِآمریکایی در جهان قرار دارد. نمونه عینی این مسئله را می‌توان در فیلم «مأموریت غیرممکن ۳»[۱] (روح پروتکل) به شکل برجسته‌ای مشاهده کرد. در این فیلم خرابکاری‌های روسیه به همراه کشورهای عربی به تصویر کشیده شده و در نهایت این‌گونه نتیجه‌گیری می‌شود که صرف بودجه و هزینه برای گسترش بسط قدرت جاسوسی آمریکا در کشورهای مختلف جهان لازم و حتمی است.

در فیلم «پلیس آهنی»[۲]، شخصیت «ایوان وانکو» در واقع تجسم و پرداخت جدید شخصیت‌های منفی روس است. وی که سراسر بدنش به خالکوبی‌های دوران زندان منقش است، فردی است که درست مثل یک شخصیت منفی کلاسیک در هالیوود ،ماجراهای زیادی را پشت سر گذاشته و اکنون شکست‌ناپذیر و خطرناک به نظر می‌رسد (وب‌سایت مشرق نیوز، ۱۳۹۲).

سریال تلویزیونی «آمریکایی‌ها»[۳] که مربوط به حوادث سال‌های دهه ۱۹۸۰ است نیز براساس تحلیل و درک امروز از آن دوران ساخته شده است. خالق و تهیه‌کننده آن یک مامور سابق سیا به نام «جو وایزبرگ» است. در این سریال روس‌های ساکن آمریکا درست مثل آمریکایی‌های معمولی به نظر می‌آیند، ولی در حقیقت آدمکش و جاسوس‌اند. در این

۱- Mission: Impossible III
۲- RoboCop
۳- The Americans

www.SID.ir

الگو از نقش‌های منفی روس، دیده می‌شود که آنها در قالب شخصیت‌های کامل، مرموز و پیچیده‌ای تصویر می‌شوند.

با بازگشت «ولادیمیر پوتین» به ریاست جمهوری روسیه بار دیگر چهره‌ای که هالیوود از روسیه به تصویر می‌کشد تغییر کرده است. شخصیت‌های روس در فیلم‌های هالیوودی مانند «جک رایان» دیگر در مورد سیاست حرف نمی‌زنند، ولی به شدت میهن‌پرست هستند و در عین‌حال می‌کوشند به منافع اقتصادی آمریکا ضربه بزنند. تصویری که هالیوود مجدداً از روس‌ها خلق می‌کند ممکن است سرگرم‌کننده و جالب باشد، ولی جنبه‌های منفی آن غالب است. «دیمیتری مدودف» نخست‌وزیر روسیه می‌گوید که فیلم‌سازان هالیوودی در خلق شخصیت‌های روس خیلی ساده‌لوحانه و کلیشه‌ای عمل می‌کنند. به زعم وی "تمام شخصیت‌های روس که هالیوود خلق می‌کند منفی و خشن هستند. تمام مدت و تنها کاری که می‌کنند خوردن ودکا است ! همه متعرض‌اند و همیشه دنبال جنگ و درگیری‌اند؛ گو اینکه در هر لحظه‌ای می‌خواهند به آدم حمله کنند! این نوع استریوتایپ (خلق شخصیت‌های کلیشه‌ای برای معرفی یک ملت و یا گروه) مانع از آن می‌شود که ما یکدیگر را بشناسیم و درک کنیم." (وب‌سایت مشرق نیوز، ۱۳۹۲).

با توجه به تمام این مسائل باید به این موضوع اشاره داشت که در اکثر این‌گونه فیلم‌های هالیوودی در چند بعد تلاش‌های ویژه‌ای در راستای روسیه‌هراسی می‌شود:

تأکید بر عدم تغییر شرایط نسبت به جنگ سرد و وجود یک تقابل جدی بین آمریکا و روسیه که اِلمان‌های تصویری و محتوایی این موضوع را می‌توان در تمام این‌گونه فیلم‌ها مشاهده کرد. به‌طوری که به باور صاحب‌نظران، بسیاری از این فیلم‌ها در همین‌باره و با همین بهانه ساخته می‌شوند.

تهدید صلح جهانی توسط روسیه هم از دیگر نکات مورد توجه دراین گونه فیلم‌ها محسوب می‌شود. دربسیاری از این‌گونه فیلم‌ها روسیه دشمن جدی صلح جهانی و ثبات

www.SID.ir

بین‌المللی خوانده می‌شود. آن چنان که دائماً بر این مسئله تأکید می‌گردد که این آمریکاست که می‌تواند سرمایه‌گذاری‌های بزرگ برای مبارزه با اخلال در روند صلح جهانی انجام دهد.

تشکیل ائتلاف روسیه و ایران به عنوان مأمن تروریست‌ها هم از دیگر اِلمان‌های خاص سیاسی است که در این فیلم‌ها کاملاً پررنگ است. در بسیاری از این فیلم‌ها صحبت از یک ائتلاف خاص سیاسی به میان می‌آید که با هزینه‌های کلان به دنبال حمایت‌های گسترده‌ای از رویکردهای ضدآمریکایی در سطح جهان است.

ترانسفورمر های ۳ ؛ نقطه عطف سیاست روسیه هراسی

نکته جالب اینجاست که برخی اوقات در هالیوود، در کنار نگاه توطئه‌آمیز به روسیه و توصیف آن به عنوان یک قطب دیگرهراسی، بحث برخورد نظامی هم مطرح می‌گردد. نمونه این مسئله را می‌توان در فیلم‌هایی همچون «ترانسفورمرهای ۳»[۱] مشاهده کرد. در همان لحظات ابتدایی در این فیلم، نیروگاه هسته‌ای ایران و سپس نیروگاه هسته‌ای روسیه به عنوان مأمن خرابکاران جهانی معرفی می‌شوند و مورد حمله نیروهای آمریکایی قرار می‌گیرند. تعریف نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل به عنوان مأمن دشمنان بشر یکی از مهم‌ترین اِلمان‌های روانشناختی است که در این فیلم نمایش داده می‌شود. ضمن اینکه حمله آمریکا به این منطقه هم در همین راستا به تصویر کشیده شده است. به طور مشخص فیلم دراین باره تلاش دارد تا این مسئله را این‌گونه توصیف کند که آمریکا تنها در راستای منافع نظامی و امنیتی خود حمله نظامی انجام می‌دهد و علاقه چندانی به مسئله نمایش قدرت ندارد و بسط هژمونی ندارد.

---

۱ -Transformers: Dark of the Moon

www.SID.ir

نمایش این فیلم حتی به واکنش روسیه در عالی‌ترین سطوح سیاسی انجامید، چنانکه «ولادمیر پوتین» در اعتراض به سیاست‌های روسیه‌هراسی هالیوود در فیلم‌های آمریکایی، ورود و نمایش هر نوع فیلمی را که در آن روس‌ها شخصیتی شیطانی دارند ممنوع کرد. پوتین پس از تماشای فیلم جدید ترنسفورمرها در اظهار نظری مدعی شد، اوباما جنگ سرد خود را با هالیوود پیش می‌برد و شخصیتی شیطانی از روس‌ها و دولت روسیه به نمایش می‌گذارد در حالی که دولتمردان آمریکایی به گزاف انسان‌هایی حافظ صلح و انسان‌دوست دیده می‌شوند (وب‌سایت سینما پرس، ۱۳۹۳).

تعریض به وقایع اوکراین

در سال ۲۰۱۵ و در اوج وقایع اوکراین، از نمایش فیلم «چهل و چهارمین بچه» که به زعم مقامات فرهنگی روسیه شرایط سیاسی- اجتماعی دوره‌ی استالین را با پیش‌داوری و به‌گونه‌ای غیرواقعی به تصویر کشیده شده است در روسیه ممانعت شد. فیلم ماجراجویانه «چهل و چهارمین بچه» داستان کارآگاهی پیگیر به نام «لئو دمیدوف» را بازگو می‌کند که با وجود درگیرشدن با دشواری‌ها و موانع بی‌شمار، دست از تلاش برای یافتن قاتلی بی‌رحم که چهل و سه بچه بی‌گناه را به قتل رسانده، برنمی‌دارد. «چهل و چهارمین بچه» کشته‌شده، به دوست و همکار دمیدوف تعلق دارد و این انگیزه، او را در پیگیری ماجرا مصمم‌تر می‌سازد (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹٤).

این فیلم از بر اساس رمانی با همین عنوان از جنایی‌نویس بریتانیایی، «تام رب اسمیث» ساخته شده است. اسمیث می‌گوید که در نوشتن رمان از سرگذشت آندره‌یی چیکاتیلو، قاتل سنگدل روسی الهام گرفته است. تام رب اسمیث، ولی در کتاب خود زمان ارتکاب این جنایت‌ها را به سال‌های دهه‌ی ۱۹۵۰ روسیه، به زمان حکومت دیکتاتوری «ژوزف استالین» منتقل کرده است. هر چند لئو دمیدوف، خود افسر سازمان امنیت اتحاد جماهیر

www.SID.ir

شوروی سابق است، بااین‌حال در راه یافتن و تکمیل پرونده این قاتل با مخالفت‌ها و کارشکنی‌های همکاران و روسای خود روبرو می‌شود که وقوع این جنایات را به‌کلی انکار می‌کنند. علت این خصومت غیرشخصی در فیلم، تضاد واقعیت با «تئوری تربیت انسان برتر در جامعه‌ی سوسیالیستی» است که استالین به‌ویژه آن را تبلیغ می‌کرد. دمیدوف، خود سرانجام در فیلم قربانی توطئه‌های اسرارآمیز ماموران امنیتی شوروی سابق می‌شود.

در فیلم «چهل و چهارمین بچه» همچنین نکته انتقادی دیگری گنجانده شده که طرح آن برای روس‌ها چندان خوش‌آیند نیست: مصادره گندم و مواد غذایی به دستور استالین که سبب به‌وجودآمدن قحطی بین سال‌های ۱۹۳۲ تا ۱۹۳٤ بود. این قحطی مصنوعی که به «هولودومور» مشهور است ، باعث مرگ بالغ بر ۱۰ میلیون اوکراینی شد. مقامات اوکراین، استالین را مسئول این نسل کشی می‌دانند. لئو دمیدوف در فیلم «چهل و چهارمین بچه»، یکی از کسانی است که از این قحطی جان سالم به‌در برده است (خبرگزاری دویچه‌وله، ۲۰۱۵). فیلم به طرز آشکاری اقدامات روسیه در اوکراین را به فجایع دوران استالین ربط داده و تلویحاً احیای بلوک شرق و مصایب ناشی از آن را گوشزد می‌کنند .

در مجموع می‌توان گفت هالیوود پس از جنگ جهانی دوم و خروج آمریکا از انزوا تاکنون، بخشی از تولیدات خود را در واکنش به اهداف و اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا تولیده کرده است. این مساله درباره روسیه به عنوان یکی از رقبای جدی آمریکا در دوران معاصر صادق می‌باشد. در جدول ۱، تغییرات نگرش و اصول سیاست‌گذاری آمریکا در قبال روسیه، پس از جنگ سرد ارائه شده است.

www.SID.ir

جدول ۱. تحول در نگرش سیاست خارجی آمریکا به روسیه در دوران پسا جنگ سرد

سیاست و جهت‌گیری	رویکرد همکاری‌جویانه آمریکا نسبت به روسیه (۱۹۹۹-۲۰۰۲)	رویکرد رقابت‌آمیز آمریکا نسبت به روسیه (۲۰۰۲-۲۰۱۷)
نگرش کلی	یک دولت جدید شریک استراتژیک	وارث اتحاد جماهیر شوروی در سودای احیای امپراطوری پیشین
سیستم سیاسی	تشویق به توسعه داخلی	تشویق به برقراری احزاب دموکرات
همکاری نظامی	همکاری مشترک علیه تروریسم تلاش جهت تسهیل ورود روسیه به ناتو	گسترش ناتو بدون در نظر گرفتن روسیه مهار روسیه با توسل به بازدارندگی ناتو
همکاری در زمینه انرژی	گسترش همکاری در زمینه گاز مایع	دامن زدن به رقابت استراتژیک

Source: Tsygankov, p. Andrei (۲۰۰۹), Russophobia: Anti-Russian Lobby and American Foreign Policy, US: Palgrave Macmillan, p. ۹..

همان‌طور که در جدول فوق آمده است، به تدریج با افزایش نفوذ و قدرت روسیه در نظام بین‌الملل، نگرش آمریکا نسبت به این کشور نیز رقابت‌آمیز شده است. چنین تغییری علاوه بر موارد انرژی، نظامی، سیاسی و نگرش کلی در جنگ رسانه‌ای بین دو کشور هم ظهور و بروز داشته است. نمونه‌های ذکر شده از فیلم‌های دوران جنگ سرد و مقایسه آنها با تولیدات اخیر هالیوود، نمونه‌ای از الگوی القا و بازنمایی روس‌هراسی و معرفی دوباره روسیه به عنوان دشمن را در دستگاه دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا در اختیار قرار می‌دهد.

نتیجه و پیشنهاد

سیاست‌گذاری رسانه‌ای از مهم‌ترین منابع اعمال سیاست خارجی آمریکا در دوران معاصر بوده است. در سال‌های اخیر با بسط نظری اهمیت این وجه از قدرت توسط اندیشمندانی مانند جوزف نای، جایگاه ابزارهای نفوذ غیرنظامی در روندهای کلان سیاست‌گذاری

www.SID.ir

خارجی ایالات متحده اهمیت بیشتری هم یافته است. آمریکا به عنوان کشوری که تولیدات سینمایی و تلویزیونی را به صورت انحصاری درآورده است، این ابزار تاثیرگذار را در قالب بازوی پیش‌برنده سیاست خارجی به کار می‌گیرد.

در بخش نخست این مقاله سابقه کنش هوشمندانه آمریکا با سینما جهت اعمال جنگ رسانه‌ای در دوران جنگ سرد و تاثیرگذاری آن مورد مطالعه قرار گرفت. در فاصله فروپاشی شوروی تا دهه نخست قرن بیست‌ویکم، با رفع خطر کمونیسم و متلاشی شدن آن، دشمن جدیدی که در سیاست خارجی آمریکا شناسایی گردید، پدیده اسلام به طور عام و بنیادگرایی اسلامی به طور اخص بود. حوادثی مانند یازده سپتامبر و ظهور تروریسم بین‌المللی در قالب گروه‌های رادیکالی همچون القاعده داعش، این روند را تسریع بخشید. از سال ۲۰۰۱ به این طرف، مضامین مبتنی بر اسلام‌هراسی و معرفی خاورمیانه به عنوان کانون تهدیدکننده امنیت و منافع ملی آمریکا در تولیدات فرهنگی آمریکا به صورت یک روند مشهود درآمد.

اما آنچه در این نوشتار مورد مداقه قرار گرفت، رویکرد معطوف به احیای سیاست‌گذاری رسانه‌ای آمریکا علیه روسیه است که هم‌زمان و به موازات قدرت‌گیری مجدد این کشور در سایه سیاست‌های پوتین و نفوذ قدرت جهانی روس‌ها در اروپا و خاورمیانه می‌باشد. در واقع آمریکا درصدد است تا روسیه را هم مانند دوران جنگ سرد به عنوان دشمن تازه جان‌گرفته آمریکا معرفی کند. در این مقطع زمانی، به پروژه اسلامی‌هراسی در حال تکوین، روندهای روسیه‌هراسی هم ضمیمه گردیده است. برای این ادعا شواهدی که تولیدات سینمایی و تلویزیونی هالیوود در سال‌های اخیر آورده شدند که حائز مشابهت‌های مشهودی با آثار ضد کمونیستی دوران جنگ سرد می‌باشند.

مقابله با تهاجم رسانه‌ای و اعمال اهداف سیاست خارجی آمریکا که از طریق صنعت فرهنگ این کشور صورت می‌پذیرد، مدت‌هاست مد نظر سیاست‌گذاران کشورهای هدف

www.SID.ir

بوده است. با این وجود هنوز راهکار جامعی برای برون‌رفت از این معضل ارایه نگردیده است. روسیه به‌ویژه با در ذهن داشتن تجربه ضربه خوردن از جنگ رسانه‌ای در دوران جهان دو قطبی، برداشت عینی‌تری نسبت به تهدید نوین روسیه‌هراسی در هالیوود دارد. این امر به قرینه برای کشورهای متعارض با آمریکا همانند جمهوری اسلامی ایران هم صادق است.

در این راستا ابتدا بایست در نظر داشت که با فرض انحصار رسانه‌ای آمریکا، مقابله با جنگ رسانه‌ای این کشور بسادگی میسر نخواهد شد. شاید یک اقدام ممکن، تلاش جهت خنثی کردن اصول چهارگانه بازنمایی باشد که در مقاله بدان اشاره گردید. در واقع تولید محصولات رسانه‌ای با تکیه بر نقاط قوت خود و نقاط ضعف دشمن، به عنوان یک راهکار پیشنهادی می‌تواند در نظر گرفته شود. به عنوان نمونه برگزاری رقابت‌های بین‌المللی (مثل جام‌جهانی فوتبال در روسیه) این فرصت را به روسیه می‌دهد تا از ابزار پخش جهانی بسیار وسیعی که ایجاد می‌شود برای اصلاح وجهه خود نزد افکار عمومی جهان بهره برد. دیگر نمونه‌های رویدادهای مشابه ورزشی، هنری و دیپلماتیک و بازتاب هدفمند خبری آن امکان عبور از انحصار رسانه‌ای آمریکا را تا حدی فراهم می‌آورد. همچنین گسترش مبادلات بین‌المللی و تسهیل و گسترش صنعت توریسم در کشورهای قربانی بازنمایی، فرصت مناسبی را جهت اصلاح دیدگاه کلیشه‌ای و کمرنگ کردن اغراق‌های منفی نهادینه‌شده بوجود می‌آورد. همچنین فضای مجازی، محیطی به نسبت کمتر انحصاری و در انقیاد دولت‌ها و صاحبان رسانه را بوجود آورده است که از طریق آن می‌توان با برخی از کلیشه‌سازی‌ها و عادی‌سازی‌های رسانه‌های آمریکایی مقابله کرد.

www.SID.ir

منابع

الف) کتابنامه فارسی:

آدورنو، تئودور و هورکهایمر، ماکس (۱۳۸٤)، دیالکتیک روشنگری. ترجمه مراد فرهادپور و امید مهرگان. تهران: نشر گام نو.

اسماعیلی، بشیر(۱۳۹۵)، چگونه آمریکا از صنعت سینما استفاده می‌کند؟ هالیوود علیه کمونیسم، وب‌سایت دیپلماسی ایرانی، تاریخ انتشار: شنبه ۹ بهمن ۱۳۹۵، قابل دسترس در:

http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/۱۹٦٦۱۸۹/%D۹٪.۸۷٪.D۸٪.A۷٪.D۹٪.۸٤٪.DB٪.۸C%D۹٪.۸۸٪.D۹٪.۸۸٪.D۸٪.AF+%D۸٪.B۹٪.D۹٪.۸٤٪.DB٪.۸C%D۹٪.۸۷+%DA%A۹%D۹٪.۸۵٪.D۹٪.۸۸٪.D۹٪.۸٦٪.DB٪.۸C%D۸٪.B۳٪.D۹٪.۸۵.html

افتخاری، اصغر(۱۳۸۲) ،«اثبات‌گرایی پیچیده؛ روایت نوین آمریکایی از اثباتگرایی سنتی». فصلنامه مطالعات راهبردی، مسلسل ۲۰ (تابستان). صص ۳۸۲-۳٦۱.

پالی، مارشا(۱۳٦٦)،«جنگ سرد در سینمای آمریکا»، مترجم: ت. تهرانچیان. کیهان فرهنگی. شماره ٤۵.

پاورز، جان(۱۳۸۱)، «رفیق بیگلو از شما بعید بود؛ یا چگونه هالیوود یاد گرفت از ترس دست بردارد و روس‌ها را دوست بدارد». نشریه نقد سینما. شماره ۳٦.

تاراجی، منصور(۱۳۸٤)، «جهان در بیم و امید جنگ سرد ۱۹٤۸-۱۹۹۱». ماهنامه گزارش (آبان). شماره ۱٦۸. صص ۱۹-۱٦.

توسلی رکن‌آبادی، مجید و بشیر اسماعیلی(۱۳۹۲)، «بررسی جایگاه سینمای هالیوود در دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا؛ بازنمایی، هژمونی و پیشبرد اهداف سیاست خارجی». فصلنامه سیاست تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. دانشگاه آزاد واحد شهرضا. شماره ۱٦. صص ۱٤۱-۱۱۷.

www.SID.ir

جمادی، سیاوش(۱۳۸۸) ،«صنعت فرهنگ و رسانه‌های تکنیکی». ماهنامه حکمت و معرفت. شماره ٤.

حاجی مینه، رحمت(۱۳۹۳)، «بررسی نقش رسانه‌ها در روابط بین‌الملل؛ کارگزاران دولتی یا بازیگران بین‌المللی». فصلنامه مطالعات میان فرهنگی. شماره ۲۳. صص ۱۵٦-۱۳۳.

خبرگزاری دویچه وله (۲۰۱۷)، «نمایش یک فیلم هالیوودی در روسیه ممنوع شد». تاریخ انتشار: ۱۷ مارچ. قابل دسترس در: http://p.dw.com/p/۱FA۹E

خبرگزاری ایسنا(۱۳۹٤)، «روس‌ها نمایش فیلم هالیوودی را ممنوع کردند»، کد خبر: ۹٤۰۱۳۰۱۲۰۹۸. تاریخ انتشار: ۳۰ فروردین. قابل دسترس در: http://www.isna.ir/news/۹٤۰۱۳۰۱۲۰۹۸/

سلطانی‌فر، محمد(۱۳۹۱)، «حقوق بین‌الملل، رسانه‌ها، صلح و امنیت بین‌المللی». دانشنامه حقوق و سیاست. شماره ۱۸ (پاییز و زمستان). صص ۷۹-٦۱.

شهبازی، عبدالله(۱۳۸۲)، «سیا و جنگ سرد فرهنگی». نشریه سیاحت غرب. شماره ۱. صص۳۸-۳۱.

فیروزی، هادی(۱۳۹٦)، «ردپای هالیوود در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی». روزنامه شرق. شماره ۲۹۳۵. یکشنبه ۲۲ مرداد. قابل دسترس در: http://www.sharghdaily.ir/Modules/News/PrintVer.aspx?Src=Main&News_Id=۱۳۸۳٤۳

کاوش، حبیب (۱۳۸۸)، فریب بزرگ. تهران: مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی.

وب‌سایت سینما پرس (۱۳۹۳)، «پوتین: «روسیه‌هراسی» پروژه جدید هالیوود است/ فشار به اوباما برای حذف تحریم‌های جهانی». کد خبر: ۵۵۷۳٦. تاریخ انتشار: جمعه ٤ مهر. قابل دسترس در: http://cinemapress.ir/news/۵۵۷۳٦/

وب‌سایت مشرق نیوز(۱۳۹۲)، «دشمن سینمایی: روسیه‌هراسی در فیلم‌های هالیوود». کد خبر: ۲۹٤٤۵۷. تاریخ انتشار: ۲۵ اسفند. قابل دسترس در: http://mshrgh.ir/۲۹٤٤۵۷

www.SID.ir

هایم، مایکل(۱۳۹۰)، متافیزیک واقعیت مجازی. ترجمه سروناز تربتی. تهران: نشر رخداد نو.

ب) کتابنامه انگلیسی:

Craig ,Geoffrey(۲۰۰٤), The Media, Politics and Public Life. Australia: Allen & Unwin.

Dayer, Richard(۲۰۰۵), "White, in Film Theory: Critical Concept" in Media and Cultural Studies, Vol. ۳, Routledge.

DIA (Defense Intelligence Agency)(۲۰۱۷), Russia Military Power Report (۲۰۱۷); Building a Military to Support Great Power Aspirations. available at: www.dia.mil/Military-Power-Publications

Kamalipour, Yahya R(۲۰۰۰), Media Image of Arabs, Muslims and the Middle East in the United States. In Leo A. Gher & Hussein Y. Amin (Ed.), Civic Discourse and Digital Age Communications in the Middle East. (pp. ۵۵-۷۰). Ablex Publishing Corporation.

Poole, Elizabeth and Richardson, John E(۲۰۰٦), Muslems and News Media. I.B. Tauris and Co Ltd.

Rosen, Stanley(۲۰۱۱), "The Use of Film for Public Diplomacy: Why Hollywood Makes a Stronger Case for China". PDiN Monitor. Vol. ۲ (۵ (May-June). Available at: http://uscpublicdiplomacy.org/pdin_monitor_article/use-film-public-diplomacy-why-hollywood-makes-stronger-case-china

Russophobia bulletin(۲۰۱٤), "Russophobia Bulletin ۲۰۱٤". avilable at: http://www.softpanorama.org/Skeptics/Political_skeptic/Fighting_russophobia/Bulletin/russophobia_bulletin۲۰۱٤.shtml. (Last modified: May, ۰۱, ۲۰۱۷)

www.SID.ir

Stromback, Jasper, Adam Shehata and Daniela Dimitrova(۲۰۰۸),Framing the Mohammad Cartoons Issue: A Cultural Comparison of Swedish and US press. Global Media Communication.

The Guardinan website(۲۰۱٤), "Putin Condemns Western Hypocrisy as He Confirms Annexation of Crimea". Tuesday ۱۸ March ۲۰۱٤. https://www.theguardian.com/world/۲۰۱٤/mar/۱۸/crimea-putin-condemns-western-hypocrisy-annexation

Tsygankov, Andrei p(۲۰۰۹), Russophobia: Anti-Russian Lobby and American Foreign Policy. US: Palgrave Macmillan.

www.SID.ir